

با ما در مورد اطفال صحبت کنید

یک زن یک طفل را در بغل خود می برد گفت،
"با ما در مورد اطفال صحبت کنید."

و او گفت:

اطفال شما اطفال تان نیستند.

آنها پسران و دختران آرزوی زندگی خود شان هستند.

آنها از طریق شما می آیند، اما نه از شما،

و گریه آنها با شما هستند، اما مطلق به شما نیستند.

شما ممکن محبت تانرا برای شان دهید اما نه افکار تان را،

بخاطری که آنها افکار خود را دارند.

شما ممکن به جسم های شان خانه دهید اما نه به روح های شان،

بخاطری که روح های شان در خانه فرسوده ساکن می شوند،

که شما بازدید کرده نمی توانید، حتی نه در خواب های تان.

شما ممکن سعی کنید مثل آنها باشید،

اما به دنبال این نباشید تا آنها مثل شما شوند.

زیرا زندگی به عقب باز نخواهد گشت و نه تأخیر می شود، همراه با دیروز.

(اولین دو قطعه شعر در مورد اطفال در کتاب "این پیغمبر" توسط خلیل جبران، 1923)